

کالبدشکافی **تقلب** ۳۰۰۰ میلیارد تومانی: علل و عواقب

سهامدارانش خصوصی یا دولتی باشند باید یک سری مقررات را رعایت کند و بانک مرکزی در حقیقت به علت این که دادستان حقوق پولی مردم است حق دارد در جهت حفظ پس اندازهای شهروندان از بانک‌ها حساب‌خواهی کند. ما این را به صراحت در ماده‌ی ۳۷ قانون پولی بانکی مصوب ۱۸ تیر ۱۳۵۱ می‌بینیم که عنوان می‌کند بانک‌ها مکلف هستند دستورات بانک مرکزی، و قوانین و مقررات و بخشنامه‌هایی را که در اجرای قانون و مصوبات شورای پول و اعتبار وضع می‌شود، رعایت کنند و عدم رعایت آنها انحراف از موازین است.

ابزارهای اعمال سیاست‌های پولی به سهولت برای بانک مرکزی قابل استفاده نیست

خستویی ادامه داد: بانک مرکزی با قدرتی که در اعمال سیاست پولی دارد با عملیاتی ساده می‌تواند از طریق افزایش یا کاهش پول در جریان، سیاست‌های پولی خود را اعمال کند. اما در کشور بر اساس مقررات بانکداری ما ابزارهایی که در دنیا برای کاهش یا افزایش پول استفاده می‌شود، به سهولت برای بانک مرکزی قابل استفاده نیست از جمله نرخ تنزیل مجدد که در باورهای اجتماعی و انقلابی ما وجود ندارد. در حقیقت بانک مرکزی تنها کاری که می‌تواند انجام بدهد این است که نرخ سپرده‌ی قانونی را که یکی از ابزارهای سیاست پولی است تغییر بدهد و آن هم مطابق قانون تا ۳۰ درصد مجاز است. این در حالی است که با شرایط موجود در دنیا ما باید ابزارهای دیگر مدیریتی مانند کنترل داخلی یکپارچه، کمیته‌ی حسابرسی و اصول راهبری سازمانی را به کار ببریم.

رئیس شورای عالی انجمن حسابداران خبره‌ی ایران اظهار داشت: البته یادآوری می‌کنم که در سال ۱۳۸۴ کنفرانسی تحت عنوان راهبری شرکتی در صنعت بانکداری توسط انجمن برگزار شد و در آنجا تأکید شد که شروع و استفاده از راهبری شرکتی در تمام دنیا از بانک مرکزی آغاز می‌شود. این بانک مرکزی است که باید راهبری شرکتی را برای بانک‌ها تجویز کند. اکنون می‌بینیم که این موازین در بازار سرمایه‌ی ما به مرور در حال جا افتادن است.



هوشنگ خستویی: حسابدار خبره، حسابدار مستقل، حسابدار رسمی، کارشناس ارشد حسابداری و رئیس فعلی شورای عالی انجمن حسابداران خبره‌ی ایران

بانک مرکزی باید مستقل و مقتدر عمل کند

هوشنگ خستویی در خصوص علل بروز تقلب ۳ هزار میلیارد تومانی اخیر گفت: ابتدا باید یک سلسله اصولی را بازگو کنیم که پایه‌ی باورهای من در مورد سیستم بانکی است. اول این که بانک مرکزی را نهادی می‌دانم که مسئول تنظیم و اجرای سیاست پولی و اعتباری کشور است. حفظ قدرت و ارزش پول هم با آن است. به شدت عقیده دارم که این نهاد باید مستقل و مقتدر باشد. بدین معنی که دارای هیمنه‌ی اداره‌ی صنعت بانکداری باشد. چرا که اگر اینها نباشد نمی‌توانیم به سیستم بانکداری اتکا کنیم، البته ذکر این نکته ضروری است که این استقلال بانک مرکزی باید مطابق و هم‌افزا با سیاست‌های دولت هم باشد. به هر حال باید مقتدر باشد و در بسیاری از جاها بتواند نظر مستقل‌اش را بگوید.

دوم، باورم به توان بانک است. این سؤال همیشه مطرح است که به راستی این بانک چیست که با وجود آن که پولی را که در اختیار برادرمان هم قرار نمی‌دهد آن را به بانک می‌سپاریم و از آن طرف با این که بانک نامهربانی‌ها دارد، باز هم به‌عنوان مطمئن‌ترین نهاد برای سپردن پول خود آن را قبول داریم. سوم، بانک فارغ از این که

تقلب مالی پدیده‌ای بنیان‌برافکن و پرهزینه است که همواره بنگاه‌های اقتصادی، دولت‌ها و جامعه را تهدید می‌کند. این روزها بحث تقلب ۳۰۰۰ میلیارد تومانی که بزرگ‌ترین تقلب کشف و رسانه‌ای شده در تاریخ اقتصاد ایران است نقل تمام محافل حسابداری، اقتصادی، و مقررات‌گذاری کشور است. **حسابدار** برای تحلیل علل و عواقب این تقلب با کارشناسان و مسئولان امر به گفت‌وگو پرداخته است.

به‌طور خلاصه نبود مقررات یا مقررات‌گذاری نادرست در زمینه‌ی راهبری سازمانی، کنترل‌های داخلی، روش‌های بانکی، و مهندسی‌های مالی متقلبانه و نیز آزمندی، و موارد غیراخلاقی دیگر به عنوان علل اصلی این تقلب برشمرده شده‌اند.

هم‌چنین زبان‌های وارده به بانک‌های قربانی، خسارت‌های جنبی، لزوم بازنگری در مقررات بانکی به‌ویژه تقویت کنترل‌های داخلی و سامانه‌ی راهبری بانک‌ها، و تقویت استانداردها و نظارت بر گزارش‌های مالی و گزارش حسابرسی از عواقب مهم این تقلب بزرگ عنوان شده‌اند.

با هم گفت‌وگو‌هایی را می‌خوانیم که خبرنگار ما با **هوشنگ خستویی**، رئیس شورای عالی انجمن حسابداران خبره‌ی ایران، **یحیی حساس‌یگانه** نائب رئیس شورای عالی انجمن حسابداران خبره‌ی ایران، **منصور شمس احمدی**، عضو شورای عالی انجمن حسابداران خبره‌ی ایران، **غلامحسین دوانی**، عضو انجمن حسابداران خبره‌ی ایران، **عباس وفادار**، حسابدار رسمی، و **جعفر قادری**، کارشناس ارشد امور بانکی انجام داده است.

معماری صنعت بانکداری ما به درد این دوران نمی‌خورد

خستویی گفت: حال می‌گویم که چرا این تقلب یا هنجارگریزی به وجود آمد. اتفاق این‌چنینی نباید ما را متعجب کند، چرا که معماری صنعت بانکداری ما به درد این دوران نمی‌خورد و معماری صنعت بانکداری ما و تشکیل شعب آنچنانی ما را به یاد صنعت بانکداری در فیلم‌های وسترن می‌اندازد. شعار بانکداری مدرن و کنونی در دنیا این است که "هروقت و هر جا بانک در خدمت شما است." بنابراین اگر کسی در ساعت ۲ نیمه شب هم بخواهد پولی را به آن سوی دنیا انتقال بدهد، باید این امر میسر باشد. این‌چنین تغییر عمده در صنعت بانکداری لازم‌ه‌اش این است که معماری صنعت بانکداری شکل جدیدی به خود بگیرد.

نخستین گام باید باز مهندسی و معماری نوین صنعت بانکداری باشد

وی بیان کرد: پس اولین کار باز مهندسی و معماری نوین صنعت بانکداری با توجه به موازین و فنون بانکداری نوین است. هیچ‌گاه به این مسئله توجه نکردیم که کدام اطلاعات بانک‌ها مورد نیاز مراجع تصمیم‌گیری مانند بانک مرکزی است و کدام اطلاعات مالی باید در صورت‌های مالی بانک‌های ما درج شوند. به طور کلی فرمت خاصی برای صنعت بانکداری در ادبیات حرفه‌ای ما طراحی نشده است که بتواند نیازهایمان را برآورده کند. خوب، در این قضیه کاستی را از بانک مرکزی می‌بینم. نقش بانک مرکزی چیست و چه نیاز اطلاعاتی دارد. سایر مراجع اطلاعاتی کشور چه نیازی دارند. همه‌ی این مسائل باید مشخص شود و در یک شکل و فرمی که برآیند نیازهای جامعه‌ی ما، با توجه به فرهنگ و دیدی که نسبت به بانکداری اسلامی داریم، متبلور بشود و به شکل صورت‌های مالی بیرون بیاید.

صنعت بانکداری باید در یک رویکرد مدرن ساختارش تغییر کند

خستویی ادامه داد: در تمام دنیا گزارش حسابرس مستقل تنها محدود به صورت مالی نمی‌شود. بلکه حسابرس مستقل باید در مورد راهبری شرکتی، و کمیته‌ی حسابرسی هم گزارش جداگانه بدهد. هم‌چنین حسابرس باید در مورد عملکرد مدیریت و سامانه‌ی کنترل داخلی یکپارچه گزارش جداگانه بدهد که آیا اطلاع‌رسانی بانک برای تصمیم‌گیری در بازار پولی خوب است یا خیر. جایگاه این‌ها کجا است، هیچ‌کس به فکر این‌ها نیست.

بنابراین باید ساختار صنعت بانکداری با رویکرد نوین تغییر کند. بانک‌ها باید ابزارسازی کنند، باید حسابرسی داخلی ارزش‌افزا داشته باشند، دبیر یا کمیته‌ای برای رعایت داشته باشند و کارمندان‌شان هم باید از قوانین و مقررات و اصول اخلاقی کسب و کار بانکی پیروی کنند.

بانک مرکزی در برج عاج و بلورین خود نشسته و همنشینی با سازمان‌های مردم‌نهاد را دور از شأن می‌داند

خستویی در ادامه گفت: بانکداری، صنعتی است که نمی‌توان با آن شوخی کرد. بانک مرکزی باید نظارت‌اش را روی یک معماری جدید برقرار کند. در بانکداری نظارت غیرملموس هم داریم که حتی خود بانک هم متوجه نمی‌شود نظارتی روی آن است. این کار باید برای ایجاد فضای قرنطینه و بهداشتی مناسب مالی انجام شود تا هیچ اپیدمی خطرناکی نتواند به آن آسیبی بزند. بنابراین بانک مرکزی به کمک نهادهایی که تخصص لازم را دارند باید این کارها را انجام دهد. اما تعامل و همکاری بانک مرکزی با جوامع حرفه‌ای حسابداری در تدوین استانداردهای ویژه، در تدوین فرمت خاص برای حسابداری و تدوین نیازهای اعتباردهنده به صورت‌های مالی کجا است؟ متأسفانه بانک مرکزی در برج بلورین خود نشسته و شاید دور از شأن می‌بیند که با نهادهای و سازمان‌های مردم‌نهاد همنشینی و تعامل ایجاد کند و از آنها بخواهد که در این زمینه کار کنند. وقتی چنین کاری انجام نشود آنگاه محیطی ایجاد می‌شود فارغ از هرگونه عوامل پیشگیری‌کننده که اگر بتوانیم از بیماری‌های مهلک در این محیط در امان و سالم بمانیم خیلی آدم خوش‌شانسی هستیم.

مرغ اطمینان سپرده‌گذار "ز بامی که برخاست مشکل نشیند"

رئیس شورای عالی انجمن اظهار داشت: بانک مرکزی در جریان تقلب ۳۰۰۰ میلیارد تومانی مقصر نیست. اما باید در این زمینه طرحی نو دراندازد. از کنار این‌گونه جریان‌ها نمی‌توان با مزاح و شوخی گذشت. چرا که می‌تواند عواقب بسیار سخت و سهمگین و آثار ناهنجاری را در پی داشته باشد. بنابراین بانک مرکزی عمده‌ترین و پراهمیت‌ترین نهادی است که می‌تواند بهداشت مالی را تأمین کند. باید صورت‌های مالی جدید، شکل نو و افراد رسیدگی‌کننده‌ی جدید بیابد. در حقیقت با این تقلب‌ها کاتالیزوری به‌نام اطمینان که چسبانده‌ی سپرده‌گذاران و

پس‌اندازکنندگان به بانک است مانند یک مرغ هراسان به پرواز درآمده است و این مرغی است که به قول شاعر "ز بامی که برخاست مشکل نشیند". پس به سختی می‌توانیم دوباره اطمینان از دست‌رفته را به دست بیاوریم. خیلی خرج دارد، آثار این تقلب فعلاً مشهود نیست. بعدها ابعاد آن مشخص خواهد شد.

این تقلب موجب کاهش امنیت اجتماعی می‌شود
وی افزود: سؤال دیگری که در این زمینه پیش می‌آید این است که در روابطی که اکنون در بانکداری روال است. مانند قرض‌الحسنه‌ی جاری رابطه‌ی داین و مدیون است. بدین معنی که بانک بدهکار است و سپرده‌گذار بستانکار. اما بحث سپرده‌گذاری نزد بانک‌ها بر اساس مقرراتی که داریم و طبق عملیات بانکی غیر ربوی مصوب شه‌ریور ۱۳۶۲، رابطه‌ی وکیل و موکل است. فرد وجوه خود را به امانت نزد بانک می‌گذارد و بانک را در استفاده از آن در چارچوب عملیاتی که غیرشرعی نباشد وکیل می‌کند. حال این ۳ هزار میلیارد تومان از سپرده‌های مردم را چه کسی تأمین می‌کند. ضمن این‌که اعتماد و اطمینان و باور به این‌که بانک جای مناسبی برای صیانت از پس‌اندازها است نیز بسیار کم شده است. از طرفی آثار روانی و عقلی این ضرر و زیان هم بسیار زیاد است، بانک قلب تپنده‌ی اقتصاد است وقتی مردم اطمینان نکنند و پول خود را نزد بانک نگذارند و نقد خود را در خانه نگه دارند یا آن را تبدیل به سکه کنند امنیت اجتماعی نیز پایین می‌آید.

بانک مرکزی باید الزامات گزارشگری اطمینان‌بخش را بیشتر کند

خستویی ادامه داد: یک ایراد نیز به خود حسابداران دارم، این افراد در بحث‌های خود باید مدل ارائه کنند که کجای این رویداد را مورد تحلیل و تشریح قرار دهند. چگونه کار به این تقلب ۳۰۰۰ میلیارد تومانی و به اینجا رسید و چگونه باید عمل کنند که به باور ما مسلمانان از یک سوراخ دو بار گزیده نشوند. این وظیفه‌ی مهمی است که بار آن بر دوش حسابداران است. البته برخی وظایف هنوز در چارچوب وظایف حسابرس نیست و بانک مرکزی باید الزامات گزارشگری اطمینان‌بخش را بیشتر کند تا در آن صورت حسابرس هم عملیات خودش را گسترده‌تر کند. ضمن این‌که حسابرس نیاز به پشتیبانی هم دارد. چون اگر مستقل نباشد و تحت نفوذ، سلطه، و تأثیر قرار بگیرد و مزد بگیر هم باشد، نمی‌تواند به خوبی کار کند.



یحیی حساس یگانه: دکتری حسابداری، حسابدار خبره، حسابدار مستقل، حسابدار رسمی، و عضو هیأت علمی گروه حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی

ضعف‌های ساختاری و مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی در بنگاه‌ها علت اصلی تقلب است

یحیی حساس یگانه در خصوص علل بروز تقلب ۳ هزار میلیارد تومانی در نظام بانکی و این‌که آیا ضعف و نیز حفره‌های قانون‌گذاری از مهم‌ترین علل است، گفت: هرچند وجود ضعف‌های مذکور می‌تواند یکی از دلایل باشد، با این همه، علت بروز این تقلب، ناشی از مواردی بسیار فراتر از وجود ضعف‌های مذکور است. بررسی رخدادهای مشابه در سایر کشورها نشان می‌دهد ضعف‌های ساختار و سازوکارهای راهبری شرکتی در بنگاه‌های خصوصی و دولتی علت اصلی بروز سوءجریان، اشتباه و تقلب بوده است و ضعف‌های قانون‌گذاری و حفره‌های قانون‌گذاری یکی از آن‌ها است. به همین دلیل اکثر کشورها پس از فروپاشی و رسوایی‌های عظیم شرکت‌ها در اوایل هزاره‌ی جدید و به‌ویژه پس از بحران مالی جهانی اخیر، به موضوع حاکمیت شرکتی توجه جدی نشان می‌دهند.

نایب رئیس شورای عالی انجمن حسابداران خبره‌ی ایران ادامه داد: راهبری شرکتی یک مفهوم چندرشته‌ای (Multidisciplinary) است و هدف‌نهایی راهبری شرکتی دست‌یابی به افزایش پاسخگویی، شفافیت، عدالت (انصاف) و رعایت حقوق ذی‌نفعان است. در یک تقسیم‌بندی کلی این سازوکارها شامل دو دسته سازوکارهای درون‌سازمانی و برون‌سازمانی است. سازوکارهای برون‌سازمانی (محیطی) شامل "نظارت قانونی" از قبیل تدوین، تصویب و استقرار قوانین نظارتی مناسب، "کارایی بازار سرمایه" مانند گسترش بازار سرمایه و تقویت کارایی آن، "نظارت سهامداران عمده" از قبیل ایجاد انگیزه در سهامداران به فعالیت‌هایی از قبیل خرید سهام کنترل، "نقش سرمایه‌گذاران نهادی" مانند تشویق و

مجموعه‌ی عوامل و ابزارهایی را بدهند که با سرعت عمل و در یک زمان معین این کار انجام شود. باید یک سری جداسازی‌ها انجام شود که تا حدودی شده است و مهم‌ترین آن این‌که رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل باید جدا بشوند. مدیرعامل مجری است و هیأت مدیره سیاست‌گذار است. کمیته‌ی حسابرسی باید به سیاست‌گذاران یک بانک یاری رساند و گزارش مستقلاً هم به مجمع بدهد. بازرس در حقیقت اطمینان‌ده به سهامداران است ولی کمیته‌ی حسابرسی را برای سامان دادن به حسابرسی داخلی که یک نوع اطمینان‌بخشی نسبت به عملیات و درستی و انجام عمل به طریقی مورد نظر است تشکیل دهیم و عملکرد مدیریت را حسابرسی کنیم. پس مجریانی که در بانک هستند باید از سیاست‌گذاران یا اعضای هیأت مدیره تفکیک شوند و این بدین معنی است که ساختار باید دگرگون شود.

بانک مرکزی راهبری شرکتی را با شدت تمام در بانک‌ها حکمفرما کند

وی افزود: هم‌چنین باید از نهادهای که هم اینک در حال تولید نرم‌افزار حسابرسی در کشور است مشارکت و درخواست کمک شود. باید برای بانک‌ها سیستم‌های جامع و یکپارچه‌ای تهیه شود که مانند استاندارد روی آن آرم و نشان خورده باشد و هم‌چنین باید حسابرسان نیز در این زمینه آموزش داده و توانا شوند. مقوله‌ی دیگر بحث شورای راهبری شرکتی است که بانک مرکزی پرچمدار و آوانگارد در این زمینه است. پس از بانک مرکزی می‌خواهیم پیشگام باشد و راهبری شرکتی را با شدت تمام در بانک‌ها حکمفرما کند و بر دیگر ابزارهای مدیریتی در بانک‌ها نیز حکمفرمایی کند و برای آنها تعاریف مشخصی داشته باشد.

بانک‌ها با منطق اطمینان بدهند که چگونه مانع تکرار این عمل در آینده خواهند شد

خسستویی در پایان بحث خود اظهار داشت: به دور از غوغاگری این حق مردم است که در آرامش و راحتی بدانند و بفهمند که چه اتفاقی افتاده است و ماجرایی این تقلب چیست؟ این همان حساب‌خواهی مردم از بانک‌ها است و سپس بانک‌ها با منطق اطمینان بدهند که چگونه مانع تکرار این عمل در آینده خواهند شد. آیا باز هم همگام با رشد پول، اندازه‌ی تقلب هم می‌خواهد بزرگ شود یا خیر؟ سپس وظایف هر گروه از جامعه در پاسداری از این وضعیت باید مشخص شود و آیین رفتار حرفه‌ای درست در بانک‌ها تنظیم شود. همه‌ی این‌ها کار بانک مرکزی است. گرچه اطمینان دارم چنین کارهایی انجام می‌شود.

در حسابرسی ارتقای وسیله به ابزار نداده‌ایم

وی در خصوص حسابرسی از بانک اظهار داشت: در رویدادهای مالی یک سری ابهامات وجود دارد و تبانی توسط سامانه‌ی کنترل داخلی عمدتاً قابل کشف نیست و همواره کسانی که کژاندیش و متقلب هستند یک قدم از ما جلوترند و ما تنها عملیات آن‌ها را بررسی می‌کنیم و برای آن یک راه‌حل پیدا می‌کنیم. نکته‌ی دیگر به جز بحث جدید و نو کردن قوانین این است که در حسابرسی ارتقای وسیله به ابزار نداده‌ایم و اگر هم در جاهایی چنین شده است باید پایش یا مونیتورینگ را هم بیشتر کنیم. باید گستره‌ی فکر را بیشتر کرد و درست اندیشید. هم‌چنین باید تحلیل‌های درستی داشته باشیم و برای این کار باید شناخت درستی از صنعت بانکداری داشته باشیم. متأسفانه در دوره‌ای مدیرانی در بانک آمدند که از بانک تنها این موضوع را می‌دانستند که ماهی یکبار بروند و حقوق‌شان را بگیرند و حسابرسانی بودند که می‌گفتند بانک جایی است که پول را در آن پس‌انداز می‌کنیم و پرداخت حقوق کارکنان را هم انجام می‌دهد. در حالی که بانک خیلی گسترده‌تر از این‌ها است.

موضوع تساهل و تسامح در حال بررسی است

خسستویی گفت: در جامعه‌ی حسابداران رسمی اخیراً تصمیماتی گرفته شده است و قرار بر این است که موضوع تساهل و تسامح حسابرسان به شدت بررسی شود. موضوعی به نام مراقبت حرفه‌ای وجود دارد که من به‌عنوان یک حسابرسان نوعی که حسابرسان بانک صادرات یا سرمایه‌گذاری امیرمصور آریا یا نفهمیدم یا نتوانستم مراقبت‌ها را در سطح لازم انجام دهم. به این علت به ناگاه متوجه شدم که با این کار چه غفلتی کرده‌ام و چه تقلبی به وجود آمده است باید چه کار کنم. در این زمینه استانداردهای بین‌المللی حسابرسی مقوله را روشن کرده است و حتی برای گزارش‌های منتشر شده هم ضوابط مشخصی وجود دارد. باید به سهام‌داران گزارش داده شود که به گزارش حسابرسانی اتکاء نکنند از طرف دیگر مسئولان امر باید خودشان مستقیماً به ذی‌نفعان گزارش بدهند و از آن‌ها پوزش بخواهند و از برنامه‌هایشان برای مقابله با تقلب‌های بعدی سخن بگویند.

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل باید جدا بشوند

رئیس شورای عالی در خصوص درس‌هایی که باید از این تقلب ۳۰۰۰ میلیارد تومانی گرفت، گفت: اولین کار این است که هیأت تحقیق و تفحص مستقل و توانمند از دانش با معاضدت مراجع حرفه‌ای و بانک مرکزی و کمک مرجع استانداردگذار تمهیداتی مناسب حال ببیند و

گسترش سرمایه‌گذاری نهادی، "نظارت سهامداران اقلیت" مانند احترام به حقوق سهامداران اقلیت و مجاز بودن نظارت اقلیت بر فعالیت شرکت، "الزامی کردن حسابرسی مستقل" با توجه به نقش برجسته‌ی نظارتی آن و "فعالیت مؤسسات رتبه‌بندی" مانند ایجاد تسهیلات برای فعالیت مؤسسات رتبه‌بندی است.

حساس یگانه افزود: سازوکارهای درون‌سازمانی نیز شامل "هیأت مدیره" انتخاب و استقرار هیأت مدیره توانمند، خوشنام و بی‌طرف، "مدیریت اجرایی" و تقسیم مسئولیت‌ها بین مدیریت اجرایی و استقرار نرم‌افزارهای مناسب، "مدیریت غیراجرایی" ایجاد کمیته‌های هیأت مدیره از مدیران مستقل و غیراجرایی شامل کمیته‌های حسابرسی، ارتقا و پاداش، "کنترل‌های داخلی" از قبیل طراحی، تدوین و استقرار کنترل‌های داخلی مناسب مانند کنترل‌های مالی، اداری، کنترل‌های ضدتقلب، مدیریت ریسک و حسابرسی داخلی و "اخلاق سازمانی" مانند تدوین و گسترش آیین رفتار حرفه‌ای و اخلاق سازمانی است.

وی افزود: هر یک از سازوکارهای درون‌سازمانی و برون‌سازمانی نقش‌های نظارتی بر فرایندها و فعالیت‌های شرکت‌ها دارند و ضمن پیش‌گیری از بروز سوءجریان، اشتباه و تقلب، موجب ارتقای پاسخگویی و دستیابی به سایر اهداف حاکمیت شرکتی می‌شوند. اما بررسی شرکت‌ها و بازار سرمایه در ایران نشان می‌دهد که برخی از سازوکارهای برون‌سازمانی شامل نظارت قانونی بر اساس مفاد قانون تجارت به ویژه مواد ۱۴۴ تا ۱۵۶، در برخی از موارد سایر قوانین موضوعه، قوانین و مقررات بورس اوراق بهادار، قانون تشکیل سازمان حسابرسی و قانون و مقررات جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران تا حدودی برقرار است. بازار سرمایه نوپا است و چندان کارا نیست. نظارت سهامداران عمده و ایجاد انگیزه در سهامداران به فعالیت‌هایی از قبیل خرید سهام کنترلی و نقش نظارتی سرمایه‌گذاران نهادی وجود دارد. نظارت سهامداران اقلیت بر شرکت مجاز نیست. حسابرسی شرکت‌های مشمول قانون تشکیل سازمان حسابرسی و حسابرسی مستقل شرکت‌های بورسی الزامی است و پس از تصویب قانون جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران شرکت‌های بیشتری مشمول حسابرسی مستقل شده‌اند.

در ایران نقش نظارتی مدیریت غیراجرایی در ادارات بسیار ضعیف است

وی ادامه داد: هم‌چنین فعالیت مؤسسات رتبه‌بندی در

ایران وجود ندارد و درباره‌ی نظارت مرتبط با سازوکارهای درون‌سازمانی به نظر می‌رسد صرف نظر از مقوله‌ی هیأت مدیره و موارد مرتبط با مدیریت اجرایی شامل تقسیم مسئولیت‌ها بین مدیریت اجرایی و استقرار نرم‌افزارهای مناسب، نقش نظارتی مدیریت غیراجرایی شامل ایجاد کمیته‌های هیأت مدیره از مدیران مستقل و غیراجرایی شامل کمیته‌های حسابرسی، پاداش، و ریسک کنترل‌های داخلی شامل طراحی، تدوین و استقرار کنترل‌های داخلی مناسب، مدیریت ریسک و حسابرسی داخلی بسیار ناچیز و ضعیف است و به نقش نظارتی اخلاق سازمانی نیز توجه کافی نمی‌شود.

حساس‌یگانه در توضیح زبانی که با افشا شدن این تقلب متوجه بانک صادرات می‌شود و نیز این که آیا این موضوع باید در صورت‌های مالی افشا شود یا خیر، گفت: ضوابط و معیارهای شناسایی زیان و حتی بدهی‌های احتمالی مشخص و به شواهد و مدارک مؤید وابسته است. بنابراین پاسخ مناسب به این پرسش نیازمند بررسی شواهد و مدارک مؤیدی است که در دسترس نیست. لذا اظهارنظر در این خصوص در غیاب شواهد و مدارک مؤید و براساس برداشت شخصی از اطلاعات موجود در رسانه‌ها منصفانه نیست.

با ایجاد سازوکارهای درون‌سازمانی راهبری شرکتی کارآمد می‌توان فرصت تقلب را کاهش داد

نایب رئیس شورای عالی انجمن در خصوص درس‌هایی که باید از این تقلب بزرگ گرفت، گفت: رخدادهای این‌گونه زنگ خطری جدی است و حکایت از فرصت‌های موجود برای وقوع رویدادهای مشابه در ساختار راهبری شرکتی بنگاه‌های اقتصادی است. مشکل اساسی همین جا است، باید از این رخدادهای درس گرفت. راهکار مناسب و ممکن، پیش‌گیری از فرصت‌ها برای این‌گونه رویدادها است. به قول پزشک‌ها پیش‌گیری بهتر از درمان است. پس با ایجاد سازوکارهای درون‌سازمانی حاکمیت شرکتی کارآمد به‌عنوان ساز و کار مناسب و سپری در برابر سوءجریان، اشتباه و تقلب می‌توان فرصت‌های بروز این موارد را از بین برد یا به موارد کم‌اهمیت‌تر، کاهش دهد.

سازوکارهای برون‌سازمانی و نظارتی بیشتر برای بانک‌ها ضرورت دارد

وی در خصوص این که چرا ریسک تقلب در بانک‌ها از سایر مراکز، سازمان‌ها و ارگان‌ها بیشتر است، بیان داشت: باید به ماهیت، موضوع فعالیت و دامنه‌ی ذی‌نفعان

بانک‌ها توجه شود. ماهیت فعالیت بانک‌ها، جمع‌آوری نقدینگی از مشتریان و به‌کارگیری آن است. بنابراین وجه نقد تعداد زیادی از افراد جامعه برای مقاصد مختلف و در حساب‌های گوناگون در بانک‌ها به‌کارگرفته می‌شود. وجه نقد به علت مطلوبیت همگانی که دارد دارای ریسک ذاتی بالایی است و بیش از سایر دارایی‌ها در معرض سوءاستفاده و تقلب است. به عبارت دیگر وجه‌نقد استعداد بالایی برای سوءاستفاده و تقلب دارد هم‌چنین افراد برای انجام فعالیت‌های اقتصادی نیازمند منابع مالی هستند. بنابراین ریسک‌های مختلف از جمله ریسک تقلب در بانک‌ها می‌تواند بیشتر از سایر بنگاه‌های اقتصادی باشد به همین دلیل سازوکارهای برون‌سازمانی و نظارتی بیشتر برای بانک‌ها ضرورت دارد و باید قوانین و مقررات مختلف توسط قوه‌ی مقننه و سازوکارهای متعدد نظارتی توسط مقام ناظر تدوین و اجرای آن الزامی شود و به طور مستمر پایش و به‌هنگام شود.

انجام حسابرسی مستمر توسط حسابرسان داخلی حرفه‌ای و کارآمد بانک‌ها موجب کاهش تقلب می‌شود

حساس‌یگانه ادامه داد: هم‌چنین استقرار سازوکارهای درون‌سازمانی و کارآمد و به‌هنگام نیز از ضروریات است که از وظایف مدیران بانک‌ها است و با وجود ذی‌نفعان گسترده، بر اهمیت آن افزوده می‌شود. به علت وجود ریسک‌های متعدد و بالای عملیات بانکی که ناشی از ماهیت فعالیت بانکی است، افزون بر سازوکارهای رایج در سایر بنگاه‌ها، ارزیابی ریسک‌های مختلف و انجام حسابرسی مستمر توسط حسابرسان داخلی حرفه‌ای و کارآمد بانک‌ها نیز موجب کاهش احتمال تقلب و سوءجریان‌های احتمالی است و این موضوع یکی از دغدغه‌های مدیران حرفه‌ای بانکی در اکثر کشورها است.

در کشورهای پیشرو در حسابرسی هنگام تقلب انگشت اتهام به سمت حسابرسان مستقل نشانه می‌رود

نایب رئیس شورای عالی انجمن حسابداران خبره‌ی ایران در خصوص نقش حسابرس و نیز مؤسسه‌ی حسابرسی در افشای تقلب گفت: حسابرسان بانک‌های درگیر در مورد "اعتبارات اسنادی داخلی" که موضوع تقلب است و فرصت تقلب را فراهم کرده است، لازم بود در این مورد شواهد و مدارک مؤید لازم را جمع‌آوری و در موقع ضروری با آن برخورد می‌کردند. البته این نکته را باید در نظر بگیریم

که حسابداران رسمی نقشی اجتماعی بر عهده دارند. آنها به عنوان ناظران عمومی در جهت منافع جامعه ایفای نقش می کنند. آن ها برای نظارت بر عملکرد سازمان ها و گواهی و شهادت دهی درباره ی صورت های مالی که توسط مدیران بنگاه ها تهیه می شود وارد میدان می شوند بدین معنی که حسابرسان مدعی خدمت در جهت منافع عمومی هستند. در کشورهای پیشرو در حسابرسی، حسابرسان مستقل نقش خاص بیمه ای اجتماعی گسترده ای را بر عهده دارند به نحوی که در زمان وقوع چنین مسائلی، انگشت اتهام به سوی آنها نشانه می رود و حسابرسان سپر بلا می شوند. موضوع فروپاشی شرکت انران در آمریکا و حذف مؤسسه ی بزرگ حسابرسی آرتور اندرسن از صحنه ی حسابرسی، از مصادیق بارز چنین نقشی است اما پرسش اساسی در مورد این تقلب بانکی اینجا است که چرا نقش اجتماعی حسابرسان مستقل در این مورد کم تر می شود.

به کارگیری حسابرسان با صلاحیت در بنگاه های اقتصادی مغفول مانده است

وی در پاسخ به این سؤال که تا چه حد استفاده از افراد غیرمتخصص و کم تجربه در زمینه ی بازرسی و حسابرسی داخلی در این تقلب نقش دارد، اظهار داشت: حسابرسی داخلی یکی از سازوکارهای درون سازمانی با اهمیت در هر سازمان است و حسابرسی داخلی کارآمد و اثربخش نقشی اساسی در راهبری شرکتی مناسب دارد. حسابرسی داخلی یک فعالیت اطمینان بخشی و مشاوره ای مستقل و بی طرفانه به منظور ارزش افزایی و بهبود عملیات یک سازمان است. سازمان ها برای خلق ارزش یا منافع برای مالکان، مشتریان، صاحب کاران و سایر ذی نفعان تأسیس شده اند، این مفهوم فلسفه ی وجودی آنها را نشان می دهد. ارزش افزوده یا همان ارزش آفرینی حاصل استفاده از منابع در فرایند تولید و عرضه ی کالاها و خدمات است. در این فرآیند، حسابرسان داخلی اطلاعاتی درباره ی شناخت و ارزیابی ریسک ها و فرصت ها برای کسب منافع سازمان فراهم می کنند که این اطلاعات ارزشمند به شکل اطمینان بخشی و مشاوره ارائه می شود. علاوه بر این حسابرسی داخلی کارآمد و حرفه ای متشکل از حسابرسان داخلی حرفه ای و با تجربه، با استقرار کنترل های ضد تقلب، فرصت های انجام تقلب را حذف یا کاهش می دهد بنابراین استفاده از افراد غیرمتخصص و کم تجربه در زمینه ی بازرسی و حسابرسی، فرصت تقلب و سوء جریان را افزایش می دهد و وقوع آنها را محتمل می کند. سرمایه گذاری بنگاه های اقتصادی و به ویژه بانک ها، بیمه ها و شرکت های

بورسی که ذی نفعان گسترده ای دارند در واحدهای حسابرسی داخلی و به کارگیری حسابرسان باصلاحیت متأسفانه مغفول مانده و کم تر مورد توجه بوده است.

فقدان کنترل های داخلی لازم فرصت تقلب را محتمل کرد

حساس یگانه در پایان اظهار داشت: به نظر می رسد توضیح درباره ی ابعاد موضوع تقلب از منظر موارد مرتبط با حسابداری و کنترل های داخلی مناسب باشد. همان طور که در خبرها هم آمده بود موضوع اصلی تقلب بر دریافت "اعتبارات اسنادی داخلی" از یک بانک و تنزیل آن نزد بانک های دیگر متمرکز بوده است. در مورد اعتبارات اسنادی ارزی برای معاملات خارجی مشخص است که به دلیل پیش بینی کنترل های لازم و درگیر بودن دو بانک در داخل و خارج کشور و ثبت و انعکاس آن در سامانه ی بانک مرکزی و دفاتر ذی نفعان آن، فرصت تقلب بسیار کاهش یابد و وقوع تقلب را بعید کند. اما "اعتبارات اسنادی داخلی" که متأسفانه از اوایل دهه ی ۱۳۸۰ مطرح و رایج شد، به دلیل فقدان کنترل های داخلی لازم برای آن، فرصت سوء جریان و تقلب را محتمل کرد. معاملات خارج از ترازنامه و موارد مشابه از مصادیق این گونه تقلب های رایج در شرکت ها است که تقلب های رخ داده در شرکت انران از نمونه های آن است.



غلامحسین دوانی: حسابدار خبره، حسابدار مستقل، و حسابدار رسمی.

غلامحسین دوانی در خصوص علل بروز تقلب ۳ هزار میلیارد تومانی در نظام بانکی گفت: در قوانین ما جهت توصیف عمل مجرمانه از اوصاف متفاوت استفاده شده

است که تقلب، جعل، اختلاس، کلاهبرداری و ... نمونه ای از این توصیفات هستند و به طور کلی عوامل دستکاری به هر کدام از این جرایم زمینه ی محیطی و همچنین خصوصیات فردی است.

ضعف کنترل های داخلی اصلی ترین علت تقلب در نظام بانکی است

این حسابدار مستقل عضو انجمن حسابداران خبره ی ایران ادامه داد: در صنعت بانکداری زمینه ی محیطی به دلیل خصوصیات صنعت و ضعف کنترل های داخلی و نیز فقدان پایش برخط، فراهم تر است.

دوانی در خصوص زبانی که با این تقلب بزرگ متوجه بانک صادرات می شود، اظهار داشت: روایت های مختلف حاکی از این است که اعتبارات اسنادی داخلی -ریالی گشایش یافته در بانک صادرات نزد بانک های دیگر به اصطلاح (تنزیل) و وجوه مربوط آن ها دریافت شده است و به دلیل مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی، بانک گشایش کننده در این خصوص مسئول است. به عبارت دیگر چنانچه مطالبات بانک های دیگر وصول نشود همه ی این بانک ها به بانک صادرات مراجعه خواهند کرد و در صورتی که بانک صادرات وثیقه های کافی و ارزشمند از بدهکاران نداشته باشد در این صورت معادل مطالبات سوخت یا مشکوک الوصول زیان خواهد کرد.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا این موضوع باید در صورت های مالی افشا شود، بیان کرد: بانک های طلب کار چنانچه ذخیره ی مطالبات مشکوک الوصول را محاسبه کنند با توجه به اهمیت اقلام در صورت های مالی شان، بایستی موضوع را در این صورت های مالی درج کنند.

نظام راهبری شرکتی باید تقویت شود

این حسابدار رسمی در زمینه ی درس هایی که باید از این تقلب گرفت، گفت: تقویت نظام راهبری شرکتی، ضرورت وجود پایش برخط در بانک ها و همچنین تقویت سیستم های کنترل داخلی درس هایی است که می توان از این اتفاق عبرت آموز و فاجعه آمیز گرفت.

جذابیت اعمال غیرقانونی در بانک ها به دلیل نقدینگی زیاد بیشتر است

دوانی در پاسخ به این سؤال که چرا ریسک تقلب در بانک ها از سایر ارگان ها بیشتر است، اظهار داشت: کالای مورد مبادله ی بانک ها نقدینگی است. به همین دلیل جذابیت اعمال غیرقانونی در آن ها به منظور تحصیل

نقدینگی و همچنین عواملی که با سایر ارگان‌ها مشترک است مانند ضعف کنترل‌های داخلی که در سوال‌های قبل شرح داده شد، در این زمینه قابل طرح است. وی ادامه داد: بانک‌ها و بیمه‌ها به دلایلی که گفته شد معمولاً بزرگ‌ترین قربانیان تقلب در کشور هستند.

این تقلب سرفصلی قدیمی ولی با رویکردی جدید تحت عنوان نظارت را ایجاد می‌کند

دوانی در پایان در خصوص ابعاد این تقلب بزرگ و بررسی آن از منظر حسابداری و حسابرسی اظهار داشت: همان‌طور که در ادبیات حسابرسی رویدادهای ناشی از سقوط شرکت انران فصلی جدید را در مقررات و استانداردها ایجاد کرده است، ابعاد این تقلب ۳ هزار میلیارد تومانی به حدی است که جای تعجب نخواهد داشت اگر در ایران نیز سرفصلی قدیمی ولی با رویکرد جدید تحت عنوان نظارت بعد از این اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی ایجاد شود.



منصور شمس احمدی: حسابدار خبره، حسابدار مستقل، و حسابدار رسمی، عضو شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران

علت اصلی تقلب ضعف نظارت درون‌سازمانی است

منصور شمس احمدی در خصوص تقلب ۳ هزار میلیارد تومانی اخیر در نظام بانکی گفت: علت اصلی این جریان و نیز جریان‌های مشابه ضعف نظارت درون‌سازمانی است، برای جلوگیری تقلب‌ها یا کشف سوءجریان‌ها در بنگاه‌های اقتصادی بیشتر باید به نظارت درون‌سازمانی توجه داشت تا نظارت از بیرون، چرا که اگر نظارت درونی مؤثر نباشد، نظارت بیرونی هم چندان کارساز نیست لذا نظارت درون‌سازمانی به نوعی اجرای اساسی

و نه تشریفاتی و ناقص نظام راهبری شرکتی (راهبری شرکتی) است.

حسابرسان داخلی باید توسط کمیته‌ی حسابرسی تأیید شوند

وی ادامه داد: بانک‌ها و شرکت‌های پذیرفته شده در بورس باید این نظام را به طور کامل اجرا کنند و تقویت کنترل‌های داخلی یا تفکیک وظایف رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل به تنهایی کافی نیست، باید کمیته‌ی حسابرسی فعال شود و گزارش حسابرسی داخلی مستقیماً به این کمیته ارائه شود، همچنین صلاحیت حسابرسان داخلی باید توسط این کمیته تأیید شود و ابزار و منابع مالی لازم در اختیار این حسابرسان قرار گیرد.

کمیته‌ی حسابرسی باید حداقل شامل ۲ حسابدار رسمی باشد

شمس احمدی افزود: همچنین به منظور استقلال بیشتر کمیته‌ی حسابرسی که از اعضای غیر موظف هیأت مدیره تشکیل می‌شود، لازم است حداقل دو متخصص مالی و حسابرسی از اعضای شاغل حسابرسان مستقل یا جامعه‌ی حسابداران رسمی در این کمیته عضویت داشته باشند.

باید بحث راهبری شرکتی از درون سمینارها و کلاس‌ها به فضای اقتصادی راه یابد

عضو شورای عالی انجمن حسابداران خبره‌ی ایران گفت: تقلب‌های اخیر در بانک‌ها موجب شده است تا مسئولان مالی و اقتصادی که تاکنون بر این باور بوده‌اند که جای صحبت در خصوص راهبری شرکتی تنها در سمینارها و کلاس‌های درس است، به این نتیجه برسند که باید مباحث راهبری شرکتی از کلاس‌های درس به فضای اقتصادی راه یابد چرا که نظام راهبری سازمان‌ها، مجموعه‌ای از قوانین، مقررات و روش‌هایی است که چگونگی اداره و کنترل سازمان را در برمی‌گیرد.

در نظام راهبری مناسب تصمیم‌ها تنها توسط مدیرعامل اتخاذ نمی‌شود

شمس احمدی اظهار داشت: وجود هیأت مدیره‌ی متخصص و پاسخگو، استقرار ساختار کنترل داخلی مؤثر و کارا، ترکیب مناسب اعضای موظف و غیرموظف هیأت مدیره، عدم امکان اتخاذ تصمیم‌های راهبردی و نظارتی توسط مدیرعامل، وجود حسابرس داخلی متخصص با استقلال رأی و تشکیل کمیته‌ی حسابرسی مسئول و نه

تشریفاتی از مهم‌ترین ویژگی‌های نظام راهبری است. در این نظام، هیأت مدیره مسئول استقرار و حفظ کنترل‌های داخلی است و باید در این خصوص پاسخگو باشد.

ضرورت تشکیل انجمن حسابرسان داخلی خبره احساس می‌شود

وی در پاسخ به این سؤال که تا چه اندازه استفاده از افراد غیرمتخصص و کم تجربه در زمینه‌ی بازرسی و حسابرسی داخلی در این تقلب نقش دارد، بیان کرد: حسابرس داخلی باید دارای تخصص و تجربه‌ی کافی باشد و حداقل مدیر واحد حسابرس داخلی باید عضو یک جامعه‌ی حرفه‌ای باشد. حتی در شرایط موجود ضرورت تشکیل انجمن حسابرسان داخلی خبره احساس می‌شود، همچنین واحد حسابرس داخلی باید به طور مستمر سامانه‌های کنترل داخلی را ارزیابی کند و در صورتی که قرار باشد فرایند جدیدی به فرایندهای موجود اضافه شود و به طور مثال ال سی داخلی در بانک‌ها صادر شود، این واحد باید از همان ابتدا در جریان این تغییرات باشد و از کنترل‌های داخلی مناسب در نظر گرفته شده برای این فرایند اطمینان حاصل کند. ضمن این که حسابرسان داخلی نیز باید به صورت مداوم حجم فعالیت‌ها را بررسی کنند و در صورت مشاهده‌ی نوسان‌های غیرعادی، رسیدگی‌های خود را بیشتر کنند و گزارش تخلف‌ها را به طور مستقیم به کمیته‌ی حسابرسی اطلاع دهند.

ارزیابی استقرار نظام راهبری مناسب در بانک‌ها وظیفه‌ی بانک مرکزی است

شمس احمدی ادامه داد: کمیته‌ی حسابرسی باید با توجه به مسئولیت خود موضوع را به هیأت مدیره اطلاع دهد و جریان رسیدگی به تخلف را پی‌گیری کند و گزارش کمیته‌ی حسابرسی همراه با گزارش هیأت مدیره به مجمع عمومی ارائه شود، در این بین بانک مرکزی و سازمان بورس اوراق بهادار نقش نظارتی دارند و ارزیابی استقرار نظام راهبری مناسب در بانک‌ها و شرکت‌های بورس با این دو نهاد است.

به دلیل نبود نظام راهبری مناسب کشف سوء جریان به صورت اتفاقی است

وی در پایان گفت: متأسفانه در حال حاضر به جز تعداد معدود بانک و شرکت بورسی، بقیه نهادها فاقد نظام راهبری مناسب هستند و کشف سوءجریان‌ها در بنگاه‌های اقتصادی شانس و اتفاقی است.



عباس وفادار: مدرس دانشگاه، حسابدار رسمی، و کارشناس رسمی دادگستری در رشته حسابداری و حسابرسی

هر کسی از ظن خود این اختلاس تفسیر کرد

عباس وفادار در خصوص علل بروز تقلب ۳ هزار میلیارد تومانی در نظام بانکی گفت: در مورد علت بروز تقلب در نظام بانکی کشور نظرات متفاوتی در طول یک ماه گذشته ارائه شده است. اگر به مقالات و مصاحبه‌های دولت‌مردان، حقوق‌دانان، نمایندگان، اقتصادشناسان و حسابداران نگاهی بیندازیم هریک با توجه به نوع نگرش خود به موضوع، علتی را برای وقوع این تقلب بی‌سابقه (دست‌کم از نظر کشف) مطرح کرده‌اند. به نظر می‌رسد این یک نگاه بخشی به موضوع است. بر همین اساس است که به اعتقاد من، "هر کسی از ظن خود این اختلاس تفسیر کرد، وز برای حل مشکل، چاره‌ای تدبیر کرد". شما هم می‌پرسید "علت". ولی باید به دنبال سلسله‌ای از "علت‌ها" بود که منجر به این تقلب در نظام بانکی کشور شده است. به نظر من علت‌های بروز تقلب را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: ۱- ساختاری و اقتصادی ۲- نظارتی و ۳- راهبری شرکتی

علت اول، در بخش ساختاری و اقتصادی که نمی‌توان آن‌ها را از هم تفکیک کرد. عدم استقلال بانک مرکزی از دولت و تبدیل آن به ابزاری برای نیل به اهداف اقتصادی دولت از طریق اعمال دستوری نرخ سود بانکی و اعطای تسهیلات تکلیفی و تسری این نگرش به بانک‌های دولتی و وجود ساختارهای مشابه در بانک‌های خصوصی به گونه‌ای که در عمل بانک‌های خصوصی نیز به عنوان ابزاری جهت تامین منابع مالی سهامدار عمده تلقی شوند، بانک را از کارکرد عادی تجاری خود باز می‌دارند و به لحاظ تکلیف و ترجیح در اعطای اعتبارات، ریسک‌های مالی، عملیاتی و

تجاری بانک‌ها افزایش می‌یابد و زمینه‌ی بروز تقلب فراهم می‌شود. در این شرایط است که راهبری شرکتی هم حتی در صورت وجود، نمی‌تواند به گونه‌ای کاراً و اثربخش دارای کارکرد باشد.

علت دوم، فقدان سامانه‌ی نظارتی مناسب در بانک مرکزی برای نظارت بر عملکرد بانک‌ها است. بانک مرکزی باید در جهت تعیین چارچوب وظایف و اختیارات بانک‌ها و نیز نظارت بر آن‌ها، اقدام به تدوین مقررات کند. به عنوان مثال اگر به دستورالعمل بانک مرکزی در مورد اعتبارات اسنادی داخلی نظری بیفکنیم، کل این دستورالعمل در ۲ صفحه است و موارد ناگفته بسیاری در آن وجود دارد. نقص این دستورالعمل خود زمینه‌ساز بروز تقلب است. یکی از کارهایی که سریعاً بانک مرکزی باید در این حوزه انجام دهد، تدوین و ابلاغ نسخه‌های ملی شده از استانداردهای ارائه شده توسط کارگروه نظارت بر عملیات بانکداری بال است. طبعاً الزام بانک‌ها به اجرای استانداردها تا حد بسیار زیادی می‌تواند ریسک‌های بانک‌ها و زمینه‌های بروز تقلب را کاهش دهد. نقش اصلی بانک مرکزی، تسهیل در انجام فرآیند مدیریت ریسک و افزایش نظارت بر ساختار مقرراتی حاکم بر مدیریت ریسک در بانک‌ها است. همان‌گونه که بانک جهانی نیز تاکید دارد، بانک مرکزی باید حق داشته باشد:

- مجوزهای بانکداری را صادر یا لغو کند.
- مقررات احتیاطی و استانداردهایی را در حوزه فعالیت بانک‌ها صادر و اجرا کند.
- از بانک‌ها گزارش‌های دوره‌ای اخذ و تهیه کند و بازرسی‌های لازم را در بانک‌ها انجام دهد.
- جرایم و تقلبات بانک‌ها را بررسی کند و اقدامات فوری در مقابله با آن‌ها مانند صدور دستور توقف و تعطیل و صدور احکام عزل، جایگزینی، تعلیق مدیریت و ... انجام دهد.
- بانک مرکزی باید قدرت اجرایی و به اندازه‌ی کافی اختیار داشته باشد تا فارغ از فشارهای دولت، بانک‌ها، سهامداران، سپرده‌گذاران و اعتباردهندگان و وام‌گیرندگان و سایر اشخاصی که از خدمات بانکی استفاده می‌کنند بتواند نظارت خود را بر بانک‌ها انجام دهد.

در حال حاضر در سراسر دنیا، تراکنش‌های درون‌بانکی و بین‌بانکی بالاتر از یک مبلغ خاص (به عنوان مثال ده هزار دلار) به بانک‌های مرکزی گزارش می‌شود تا برای کشف کلاهبرداری‌ها، پول‌شویی و تقلب استفاده شوند. تبادلات بین حساب‌ها توسط الگوریتم‌های هوشمند داده کاوی و شخیص الگو، پردازش می‌شوند و تراکنش‌های مشکوک شناسایی و ردیابی می‌شوند. متأسفانه در حال حاضر بانک

مرکزی فاقد چنین نظارتی است و بانک‌ها هم به این بهانه که تعداد تراکنش‌های این چنینی بسیار بالا است و ظرفیت شبکه‌ی تبادل اطلاعات، گنجایش این همه تراکنش را ندارد، از زیر بار اعلام این تراکنش‌ها شانه خالی می‌کنند. هم‌چنین به نظر می‌رسد هنوز بانک مرکزی، اطلاعات متمرکزی از حساب‌های افراد در بانک‌های مختلف ندارد و باید به طور مودی از بانک‌های مختلف استعلام کند.

در تقلب بانکی اخیر بحث بر این است که به لحاظ عدم ثبت بخشی از اعتبارات اسنادی داخلی در حساب‌های بانک صادرات و تأیید مجدد این اعتبارات اسنادی توسط شعبه‌ی صادرکننده در آن بانک، امکان کشف آن وجود ندارد. مثالی ساده می‌زنم. اگر بانک مرکزی پایگاه داده‌ای را ایجاد کند که در آن هر شخص حقیقی با کد ملی و هر شخص حقوقی با شناسه‌ی ملی تعریف و کلیه بانک‌ها موظف شوند وام‌ها، اعتبارات اعطایی، ضمانت‌نامه‌ها و ... از اعتبارات اسنادی صادره برای هر شخص را در آن وارد کنند و بانک‌های طرف حساب قبل از تنزیل اعتبارات اسنادی، از ثبت این اعتبارات توسط بانک گشایش‌کننده در این سامانه اطمینان حاصل کنند، در آن صورت اطلاعات مندرج در این سامانه با دفتر بانک‌ها قابلیت تطبیق داشته و با انجام این کار، اعتبارات اسنادی گشایش یافته ثبت نشده در دفتر به راحتی قابل ردیابی و کشف است. به نظر نمی‌رسد مخارج طراحی و استقرار چنین سامانه‌ای حتی به ۵۰ میلیون تومان هم برسد. ببینید نظارت‌های بانک مرکزی همانند موردی که در بالا گفته شد چگونه می‌تواند در پیش‌گیری از وقوع تقلب دارای نقش باشد. البته در حال حاضر در کشورهای پیشرفته، نظارت بر بانک‌ها توسط نهادهایی مستقل از بانک مرکزی صورت می‌پذیرد. که علاوه بر نمایندگان بانک مرکزی، نمایندگانی از سازمان بورس، دستگاه قضایی و دستگاه امنیتی نیز در آن حضور دارند.

این نظارت‌ها صرف‌نظر از این که از سوی بانک مرکزی و یا نهادی مستقل از آن صورت پذیرد، باید به دو طریق نظارت برون‌بانکی و نظارت درون بانکی انجام شود. نظارت‌های برون‌بانکی با هدف نظارت بر وضعیت هر یک از بانک‌ها و سامانه‌های بانکداری آن است. در این نوع از نظارت، با استفاده از ابزارهای لازم، بررسی تحلیلی جامعی از بانک‌ها صورت می‌پذیرد و براساس آن، عملکرد بانک‌ها با گروه‌های مشابه، پیش‌بینی‌ها و مجموع سامانه‌ی بانکداری مقایسه می‌شوند تا انحرافات و مشکلات اساسی بانک‌ها مشخص شوند.

نوع دیگر نظارتی که باید بر بانک‌ها اعمال شود، از طریق اجرای آزمون‌ها و انجام رسیدگی‌ها در داخل هر

بانک است تا از طریق آن صحت اطلاعات ارایه شده از سوی بانکها و کفایت سامانه‌های کنترلی و مدیریت ریسک بانکها اثبات شود.

علت سوم به مشکلات ناشی از فقدان نظام مناسب راهبری شرکتی در بانک‌ها به‌عنوان یکی دیگر از دلایل بروز تقلب مربوط است. استقرار نظام مناسب راهبری شرکتی، عاملی مؤثر در جلوگیری از وقوع تقلب و تحمیل ریسک‌های عملیاتی به بانک‌ها است. استقرار چنین نظامی منجر به مدیریت فعالیت‌های تجاری بانک در قالب تدوین اهداف بنیادی راهبری، ساختار ریسک کلی بانک، تنظیم عملیات روزانه و اقدامات مناسب و قابل اتکا برای حفظ حقوق سپرده‌گذاران و سایر ذی‌نفعان می‌شود. برای استقرار نظام راهبری شرکتی در بانک‌ها لازم است: (۱) راهبرد جامع بانک تدوین شود، (۲) شرح وظایف، مسئولیت‌ها و اختیارات تدوین شود، (۳) نظام مدیریت ریسک در بانک مستقر شود، و (۴) کمیته‌های هیأت مدیره مثل کمیته‌ی حسابرسی در بانک تأسیس شود.

استقرار کمیته‌ی حسابرسی می‌تواند در فرایند مدیریت ریسک و کشف تقلب در بانک نقش اساسی داشته باشد. بازوی اصلی کمیته‌ی حسابرسی، واحد حسابرسی داخلی بانک است.

واحد حسابرسی داخلی از طریق انجام بررسی مستمر مشخص می‌کند که آیا روش‌های کنترل داخلی، حفاظت کافی را برای حصول اطمینان از کارایی عملیاتی عمومی و انطباق آن با خط‌مشی‌های مدیریت، قوانین، مقررات و استانداردهای حسابداری فراهم می‌کند یا خیر. واحد حسابرسی داخلی بانک طرح حسابرسی را که شامل تجزیه و تحلیل سامانه‌ها، اندازه‌گیری و ارزیابی میزان رعایت و بررسی کنترل‌ها در همه‌ی بخش‌های قابل حسابرسی بانک است انجام می‌دهد. اطلاعات جمع‌آوری شده توسط حسابرسان داخلی و یافته‌های آنان، به‌گونه‌ای زمان‌بندی شده و مطمئن به مدیریت بانک ارائه می‌شود تا مدیریت را در ارتقای کیفیت و عملیات بانک یاری رساند. واحد حسابرسی داخلی موجودیت خود را از مدیریت اجرایی و کمیته‌ی حسابرسی هیأت مدیره بانک می‌گیرد. اثربخشی واحد حسابرسی داخلی و حتی وجود مستمر آن، به قوت و حمایت مدیریت بانک از آن بستگی دارد. اگرچه این کمیته‌ی حسابرسی است که نهایتاً مسئول کفایت عملیات اجرایی، کنترل‌های داخلی و رعایت قوانین و مقررات در بانک است. در واقع، کمیته‌ی حسابرسی به منظور انجام مسئولیت‌هایی که به آن محول شده است، واحد حسابرسی

داخلی را با مشخص نمودن شرح وظایف، انتخاب حسابرسان و ارائه‌ی طرح و برنامه‌ی کلی حسابرسی، تشکیل می‌دهد. به منظور انجام هرچه بهتر وظایف، واحد حسابرسی داخلی نباید در انجام سایر عملیات و فعالیت‌های بانک دخیل باشد. حسابرسان داخلی بانک باید مستقل و بی‌طرف باشند و نهایتاً به طور مستقیم به کمیته‌ی حسابرسی پاسخ‌گو باشند. همه‌ی حسابرسان داخلی بانک باید دارای استقلال باشند تا بتوانند حسابرسی را به‌گونه‌ای اثربخش انجام دهند و از فشارهای تهدیدآمیز که منجر به اثرگذاری به شواهد حسابرسی است، اجتناب کنند. دو ویژگی اصلی استقرار واحد حسابرسی داخلی در بانک‌ها، حفاظت از دارایی‌ها و پیش‌گیری از وقوع تقلب است. در این بین استفاده از فناوری‌های روز در اجرای این فرآیندها و تجهیز واحد حسابرسی داخلی بانک به ابزارهای کشف تقلب دارای اهمیت بسیاری است.

متأسفانه در حال حاضر بیشتر بانک‌های کشور فاقد نظام راهبری شرکتی مناسب هستند. به‌عنوان مثال، گاهی به بانک صادرات بیندازیم. در این بانک هنوز کمیته‌ی حسابرسی در عمل فعال نشده است و واحد حسابرسی و بازرسی هنوز به مدیرعامل به لحاظ وظیفه‌ای و اداری گزارش می‌دهد. هنگامی که در دومین بانک بزرگ کشور این چنین باشد، در سایر بانک‌ها چه خبر است؟ هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم که در شهریور ۱۳۹۰ در اولین همایش مدیریت ریسک بانکی کشور که با حضور مدیران ریسک ۲۰ بانک بزرگ کشور برگزار شد، تعدادی از این مدیران حرفی برای گفتن نداشتند و حتی نمایندگان یکی از بانک‌های تازه تأسیس گفت ما خیلی اطلاعی از مدیریت ریسک نداریم و دست یاری به سوی سایر بانک‌ها دراز می‌کنیم. خوب شما چه برداشتی از استقرار نظام راهبری شرکتی در این دسته از بانک‌ها دارید؟

بانک صادرات مسئولیت دارد

وی در پاسخ به این که مسئولیت بانک صادرات چیست گفت: این تقلب با صدور اعتبارات اسنادی داخلی مدت دار، صورتی شکل گرفته است. اعتبار اسنادی داخلی مدت دار، نوعی از اسناد تجاری است. اسناد تجاری خاص، به دلیل اهمیتی که در انجام فعالیت‌های پولی و تجاری دارند، علاوه بر قابلیت استناد در دعاوی حقوقی در چارچوب ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی، دارای اوصاف و اصول بسیار مهم دیگری نیز هستند. وصف تجریدی بودن و اصل عدم استماع ایرادات، از مهم‌ترین این اوصاف و اصول است که در این گفتگو به

آن‌ها خواهیم پرداخت.

همان‌طور که گفته شد، اولین و مشخص‌ترین خصوصیت اسناد تجاری، وصف "تجریدی بودن" آن‌ها است. به این معنی که کیفیت رابطه حقوقی منشأ، که علت صدور یا ظهورنویسی سند تجاری است، تأثیری در تعهد ناشی از سند تجاری ندارد. از این رو، از بین رفتن یا بطلان تعهد منشأ، موجب بطلان یا بی‌اعتباری سند تجاری نمی‌شود. به عبارت دیگر، سند تجاری به هر دلیل و مبنایی که صادر شده باشد، پس از صدور، رابطه‌ی حقوقی مستقل و مجردی را ایجاد می‌کند که به اتکای خود، دلیل بدهکاری متعهد محسوب می‌شود. هم‌چنین، اصل "عدم استماع ایرادات" که مقتضای وصف تجریدی بودن است، متضمن آن است که در برابر دارنده با حسن نیت سند تجاری، یعنی کسی که سند تجاری را با حسن نیت از طریق صحیح و قانونی و بدون علم به ایرادات احتمالی موجود در رابطه‌ی منشأ صدور آن سند به دست آورده است، استناد به هیچ ایرادی در مورد نحوه و چگونگی رابطه‌ی منشأ سند، امکان‌پذیر نیست. لازم به یادآوری است که حسن نیت به معنی فوق (عدم آگاهی از ایرادات احتمالی)، در زمان قبض سند (که در اینجا زمان تنزیل اعتبارات اسنادی است) ملاک است و پس از آن، دارنده‌ی سند، "با حسن نیت" محسوب می‌شود. حتی اگر از ایرادات احتمالی به نحوی آگاه شود. تنها استثنائات بر اصل فوق، عدم رعایت شرایط شکلی سند، عدم اهلیت امضاکننده‌ی سند، جعل امضا و امکان استناد به ایرادات در برابر ید مستقیم (دارنده‌ی اولیه‌ی سند/ کسی که سند به نام او صادر شده است) است که در فرض فوق‌الذکر، هیچ یک از این ایرادات قابل استناد نیست. از سوی دیگر، از اوصاف دیگر سند تجاری، قابلیت انتقال آن است. یعنی سند تجاری به صرف امضا در ظهر آن، به دیگری منتقل می‌شود. انتقال گیرنده‌ی سند تجاری تکلیفی ندارد که به روابط خصوصی ایادی قبلی، یا به منشأ صدور یا ظهور نویسی سند تجاری توجه کند و نباید نگران ایرادات احتمالی صادرکننده‌ی سند و ایادی قبل از خود باشد. در مورد بانک صادرات، در زمانی که مدیران شعبه‌ی آن، اعتبار اسنادی داخلی مدت‌دار را روی فرم مخصوص صادر کردند و صاحبان امضای مجاز، ذیل آن را امضا کرده‌اند و بنابراین به لحاظ شکلی ایرادی متوجه‌ی اعتبار اسنادی صادر شده نیست و فقط دارنده‌ی اولیه و صادرکننده‌ی اعتبار اسنادی داخلی به صوری بودن آن واقفند و سپس بدون ثبت آن و بدون آن که مابه‌ازایی برای اعتبار اسنادی داخلی مورد نظر وجود داشته باشد، آن را به درخواست کننده تحویل داده‌اند و وی آن اعتبار

اسنادی را به بانک دیگری عرضه و آن را تنزیل می‌کند، دو حالت قابل تصور است: چنانچه بانک تنزیل کننده از ماهیت واقعی اعتبار اسنادی داخلی مطلع باشد و با علم و اطلاع از وضعیت آن اقدام به تنزیل آن کند، دیگر دارنده با حسن نیت محسوب نمی‌شود و قادر به رجوع به بانک صادرکننده نیست. اما چنانچه بانک تنزیل کننده، بدون اطلاع از ماهیت واقعی اعتبار اسنادی داخلی، اقدام به تنزیل آن کند، حق دارد در سررسید به بانک صادرکننده رجوع و وجه اعتبار اسنادی داخلی را طلب کند و در صورت استتکاف بانک صادرکننده، می‌تواند علیه ظهرنویس یا بانک صادرکننده و یا هر دو (به سبب مسئولیت تضامنی صادرکنندگان و ظهرنویس‌ان اسناد تجاری) اقامه دعوی کند. نکته‌ی جالب توجه اینجا است که بر اساس قواعد فوق‌الذکر، بانک تنزیل کننده حتی تکلیفی به بررسی بیشتر در مورد اعتبار اسنادی داخلی مدت‌دار به غیر از بررسی متعارف اولیه، ندارد. هر چند احتمالاً و با توجه به ماهیت قضیه به نظر می‌رسد بانک‌های تنزیل کننده این اعتبارات اسنادی قبل از تنزیل، اقدام به استعلام وضعیت اعتبار اسنادی داخلی از بانک صادرات نیز نموده‌اند و بانک مزبور هم در پاسخ این استعلام، صحت و وثوق اعتبار اسنادی داخلی را تأیید کرده است!

ماده‌ی ۱۷ قانون متحدالشکل نو، که منبع الهام قانون تجارت ایران در بحث اسناد تجاری است نیز بر عدم امکان استناد به روابط شخصی یعنی روابط تجاری یا قراردادی که منجر به ایجاد یا انتقال سند تجاری شده است بین صاحبان امضای سند تجاری در برابر دارنده با حسن نیت، تأکید می‌ورزد. وانگهی، نظرات حقوقی و رویه‌ی قضایی نیز بر این تأکید دارند که به غیر از بررسی سند تجاری برای عاری بودن از ایرادات ظاهری، هیچ وظیفه‌ی دیگری بر عهده‌ی دارنده با حسن نیت نیست؛ از جمله شعبه ۲۳ دیوان عالی کشور در حکم شماره ۵۳۷/۷۱ بیان داشته‌است: "اعتراض (بانک) تجدیدنظرخواه به رأی... وارد است. سفته مستند دعوی از ناحیه‌ی آقای "الف" و به حواله کرد بنیاد... صادر و با ظهرنویسی به بانک تجدید نظرخواه منتقل شده است، بانک مذکور در حین دریافت سفته‌ها... وظیفه‌ای از نظر بررسی در این خصوص که تنظیم آن‌ها بین نامبردگان صوری بوده است یا خیر، نداشته و اصولاً مواد ۲۴۹ و ۳۰۹ قانون تجارت به دارنده‌ی سفته اختیار داده است تا علیه متعهد و ظهرنویس یا ظهرنویسان... طرح دعوی کند و وجود هرگونه رابطه یا تعهد یا مدرکی بین مشارالیه نمی‌تواند سد راه اقدامات قانونی دارنده‌ی سفته به حساب آید." با توجه به موارد پیش گفته، به نظر می‌رسد بانک صادرات از بابت مبالغ اعتبارات اسنادی داخلی مدت‌دار تنزیل شده که در دفاتر

آن بانک ثبت نشده‌است، در مقابل بانک‌های تنزیل کننده این اعتبارات، مسئولیت دارد.

بانک صادرات باید زیان را افشاء کند

وی افزود: به نظر می‌رسد که بانک صادرات معادل مابه‌التفاوت بدهی خود از بابت پرداخت اصل وجه اعتبارات اسنادی تنزیل شده‌ی ثبت نشده در دفاتر و وجوهی که از این بابت می‌تواند به طور قطع از متهمان پرونده بازیافت کند، باید ذخیره‌ی لازم را در حساب‌ها منظور و موضوع را نیز افشاء کند.

استقرار نظام راهبری و کنترل داخلی مهم‌ترین درس این رسوایی است

این حسابدار رسمی ادامه داد: به طور خلاصه استقرار نظام راهبری شرکتی که در برگزیده‌ی ساختار کنترل داخلی مناسب و واحد حسابرسی مهم‌ترین درس این فاجعه و رسوایی است.

نام حسابرس و بازرس قانونی و مؤسسه‌ی حسابرسی بانک آریا در جریان فوق برده نشده است

وی افزود: اساساً فعالیت بانک در شرف تاسیس آریا در مرحله‌ی پذیرهنویسی متوقف مانده است و در حد اطلاع این‌جانب، مجمع عمومی مؤسس این بانک که یکی از وظایف آن تعیین اولین بازرس قانونی بانک است، تشکیل نگردیده است. تا بتوان بازرس قانونی را انتخاب و برایش نقشی قابل شد.



جعفر قادری: کارشناس ارشد امور بانکی

جعفر قادری کارشناس ارشد بانکی در خصوص علل بروز تقلب در نظام بانکی گفت: اگر اجازه بدهید من از

منظر درون‌بانکی به این بحث ورود کنم و تا آخر هم در این موضع بمانم، چون هر چه باشد من در نظام بانکی کار می‌کنم و از نزدیک با امور آشنا هستم. مهم‌ترین علت این اتفاق کنترل ضعیف و عدم نظارت کافی و جامع در خصوص مؤسسات و بانک‌ها بوده است. این در حالی است که تعداد تشکیلات نظارتی در جامعه‌ی ما بسیار زیاد است و تشکیلات اداری زیادی در جامعه هستند که کار موازی انجام می‌دهند. اما هیچ‌کدام کار را تمام نمی‌کنند و کار را تا انتها پیش نمی‌برند. بسیاری از این تشکیلات تنها اسم کنترل و نظارت را دارند اما در عمل بسیاری از امور نظارتی بدون متولی می‌ماند و کاری انجام نمی‌شود. بنابراین موازی‌کاری بی‌بهره و بی‌نتیجه‌ی دستگاه‌های نظارتی و تعدد آنها مانند بانک مرکزی، سازمان بازرسی و دیوان محاسبات هم از علل بروز این تقلب است.

دستگاه‌های نظارتی نباید کار عملیاتی و اجرایی انجام بدهند

وی ادامه داد: هم‌چنین دستگاه‌های نظارتی در کشور ما کار اجرا و عملیاتی را نیز انجام می‌دهند که این امر در همه جای دنیا مردود است و چنین کاری رخ نمی‌دهد، در حقیقت دستگاهی که کار سیاست‌گذاری و نظارتی انجام می‌دهد باید به دور از هرگونه عملیاتی باشد، به‌عنوان مثال دستگاهی مانند بانک مرکزی نباید در اجرا و عملیات شرکت و تصمیم‌گیری کند، هم‌چنین بسیاری از قوانین که در کشور اجرا می‌کنیم تقریباً بی‌استفاده هستند و به عبارتی از مد افتاده‌اند و مربوط به سال‌های خیلی دور هستند. در صورتی که قوانین باید هر چند وقت یک‌بار بازنگری شوند و نسبت به نیاز روز جامعه براساس نوآوری‌های بین‌المللی مثل دستورالعمل‌های کمیته‌ی بالا قانون‌گذاری شود، شاکله‌ی قانون ما به‌ویژه ارکان یا نظام راهبری بانک‌ها مربوط به قبل از انقلاب است.

اعتماد جامعه نسبت به بانک صادرات به پایین‌ترین سطح خود پس از انقلاب رسیده است

وی در خصوص ضرری که با توجه به این تقلب متوجه بانک صادرات است، اظهار داشت: بانک صادرات با توجه به این‌که هم متولی هم قربانی اصلی این تقلب است و اتفاق پیش آمده از ناحیه‌ی این بانک بوده است، بیشترین ضرر را می‌بیند حتی با این‌که برخی جرایم اعلام می‌کنند این مبلغ برمی‌گردد که بعید می‌دانم. اما اگر همه‌ی وجوه تقلب شده بازگردانده شود، باز هم زیان‌های معنوی

و مالی بسیاری وارد شده است. اول، زیان مربوط به کارکنان این بانک است، هر کارمند این بانک به دلیل اتفاقات پیش آمده در خارج از سازمان اعلام نمی‌کند که کارمند بانک صادرات است. بدین معنی که اعتماد جامعه نسبت به بانک صادرات بسیار پایین آمده است و به پایین‌ترین سطح خود پس از انقلاب رسیده است. این زیان بسیار بزرگی است. دوم این‌که از این به بعد کنترل‌ها بسیار سخت‌تر خواهد شد شخصی که جزو ۱۲ تا ۲۰ درصد افراد متقلب است با رخ دادن این اتفاق دیگر تقلب‌های کوچک هم انجام نخواهد داد و به سراغ تقلب‌های بزرگ‌تر می‌رود. پس با این رخداد بانک صادرات دچار زیان‌های کاهش جذب منابع و کاهش اعتماد عمومی می‌شود. ضمن این‌که بحث خروج منابع نیز است که با رصد کردن تراز و گزارش‌های مالی آن بانک متوجه می‌شویم این اتفاق افتاد یا خیر و اگر هم خروج منابع نداشته باشیم قطعاً ورود منابع جدید در این بانک با مشکل روبه‌رو می‌شود. سوم، کاهش انگیزه‌ی کاری و کاهش کارایی کارکنان نیز از جمله زیان‌های بانک صادرات است. چهارم، زیان سهامداران است که ارزش سهام آن‌ها به شدت کاهش پیدا خواهد کرد، چرا که این اتفاق در سطح جامعه بازتاب مناسب و خوبی نداشت.

این تقلب می‌توانست توسط مؤسسه‌ی حسابرسی و حسابرس مستقل زودتر از اینها افشا شود

قادری در خصوص این‌که آیا این موضوع باید در صورت‌های مالی افشا شود، اظهار داشت: اگر گزارش صورت‌های مالی درست نباشد این مصداق تقلب است یعنی بانک صادرات مرتکب تقلب شده است. ضمن این‌که مؤسسه‌ی حسابرسی و حسابرس مستقل اگر کارشان را درست و به موقع انجام داده بودند، این موضوع خیلی زودتر از اینها افشا می‌شد. گاهی برخی مؤسسات که حتی نمی‌توان اسمشان را مؤسسه‌ی حسابرسی گذاشت و باید به آن‌ها مؤسسات حساب‌ساز گفت، کار حسابرسی نمی‌کنند و حسابرسان آیین رفتار حرفه‌ای خود را رعایت نمی‌کنند این در مورد حسابرس مستقل گروه امیرمنصور آریا کاملاً مشهود است در مورد حسابرسی بانک صادرات هم این موضوع و اتفاق می‌توانست توسط حسابرسی و کنترل داخلی بانک افشا شود اگر از چشم آن‌ها هم دور می‌ماند باید توسط حسابرس مستقل آن بانک دیده و افشا می‌شد. تنها تقویت نظارت بانک‌ها راه‌حل نیست. نظارت‌های مستقل نیز باید سخت‌گیرانه‌تر و محکم‌تر شوند و حسابرسان هم باید زیر نظارت‌های بیشتر بروند.

همواره شاهدیم که حسابرسان در سایه‌ی امن هستند. چرا سهامداران نباید زیان‌شان را از آن‌ها وصول کنند؟ آرتور اندرسون پس از رسوایی انران با دو دعوای بانکی محو شد. بنابراین مدعی‌العموم و مردم باید آن‌ها را نیز به دادگاه بکشانند.

باید قوانین و مقررات مربوط به بخش گشایش اعتبار بازنگری شوند

وی در خصوص درس‌هایی که باید از این ماجرا گرفت، بیان کرد: کل جامعه باید در این موضوع به همبستگی برسند و از نظر ساختار دولتی، تشکیلات دولتی باید یک بازنگری کلی در ساختار مؤسسات و بانک‌ها داشته باشند و اگر جاهایی خلأیی مشاهده می‌کنند باید کنترل و نظارت را بیشتر کنند، قوانین و مقررات روی بخش LC و گشایش اعتبار باید بازنگری شود و به صورت صحیح و اصولی تعریف شود. هم‌چنین روی تعهد کارکنان نیز باید نظارت شود چرا که تعهد بسیار مهم است و در نظام مقررات اداری هر کس تعهدش بیشتر باشد، کاراثر است و کم‌تر به سمت تقلب می‌رود. ضمن این‌که اگر روی اخلاقیات و رفتار حرفه‌ای کارکنان نیز کار شود بسیاری از مسائل و مشکلات حل می‌شود.

ریسک تقلب در بانک‌ها به دلیل داشتن نقدینگی زیاد بسیار بالا است

قادری در پاسخ به این سؤال که چرا ریسک تقلب در بانک‌ها نسبت به سایر ارگان‌ها بیشتر است، گفت: این امر به دلیل وجود نقدینگی زیاد است، هر کجا پول نقد بیشتر باشد قطعاً ریسک تقلب بالاتر است و بانک‌ها و بیمه‌ها به این دلیل بیشترین ریسک تقلب را دارند.

سپردن افراد متقلب و متخلف به بازرسی کار اشتباهی است

قادری در مورد نقش افراد غیرمتخصص و کم‌تجربه در بروز چنین تقلبی افزود: ایراد بزرگی که به سیستم بانک وارد است، این است که هر کس تقلب یا تخلفی در بانک انجام می‌دهد، آن فرد را در اختیار بازرسی قرار می‌دهند و این فرد متقلب تا زمانی که پرونده‌اش در جریان است و گاهی اوقات ۳ سال طول می‌کشد تا به پرونده رسیدگی شود در اختیار بازرسی است و بازرسی هم چون پرونده‌ها و حجم کارش زیاد است از این شخص متقلب به‌عنوان کارمند خود استفاده می‌کند و فرد در شعب این بازرسی

مشغول به کار می‌شود، خب این کار بسیار اشتباهی است. این سنت بانک‌ها شده است. ولی بعد از روشن شدن تقلب و تخلف باید بدون فوت وقت با متقلب برخورد شود. نباید بازرسی‌ها حیات خلوت متقلبان باشد.

بازرسان و حسابرسان بانک‌ها اغلب تحصیلات دانشگاهی مرتبط ندارند

وی ادامه داد: موضوع دیگر این است که افرادی که بازرس و حسابرس بانک‌ها هستند اغلب کار را به صورت تجربی یاد گرفته‌اند و اکثراً تحصیلات دانشگاهی در خصوص حسابرسی ندارند. اگر بحث امتحان و گزینش باشد و بخواهیم امتحان و گزینش را به صورت استانداردهای حسابرسی انجام دهیم، هیچ‌کدام علم و دانشی در این خصوص ندارند و دانش آنها بیشتر به صورت تجربی است. و این هم یکی از ضعف‌هایی است که کنترل و نظارت بانکی با آن مواجه است ضمن این‌که این افراد کار را هم به صورت سنتی انجام می‌دهند و با کار به صورت رایانه‌ای آشنا نیستند. بیش از ۵۰ درصد بازرسان و حسابرسان داخلی دارای مدارک دانشگاهی غیرمرتبط هستند. ضوابط بانک‌ها باید تغییر کند. در همه جای این بانک‌ها حسابداران مستقل رسمی یا حسابرسان داخلی رسمی را به خدمت می‌گیرند. در ایران شاید هنوز این امکان وجود ندارد. ولی دست کم باید همه‌ی حسابرسان و بازرسان بانک‌ها حسابداری خوانده باشند و دائماً در دوره‌های به‌روزرسانی مقررات و قوانین، دوره‌های مربوط به حسابداری قانونی و تجسسی شرکت کنند.

تقلب اخیر به دلیل شناسایی و سوءاستفاده از یک حفره‌ی ایجاد شده‌ی قانونی بود

قادری در پایان در خصوص تقلب ۳ هزار میلیارد تومانی گفت: به دلیل این‌که اختلاس در سطح فهم عموم بهتر از تقلب درک می‌شود، از واژه‌ی اختلاس برای این ماجرا استفاده می‌شود اما تمام این اتفاق تقلبی سازمان‌یافته بوده است که از شناسایی یک حفره ایجاد شده‌ی قانونی شروع شد. فردی با شناسایی این حفره به نحو کامل از آن بهره‌برداری کرد. البته از فساد مالی هم برای این تقلب استفاده شد. که رشوه‌دهی مهم‌ترین آن بود. در حالی که در اختلاس به طور مثال شخصی از حساب‌های مشتریان برای خود و به نفع خود استفاده و بهره‌برداری می‌کند.